

### متن پرسش

سلام: من مشکلم این است که حس معنوی ام در بازه های خاصی خوب است اما در بازه هایی از بین می رود و من از نداشتنش واقعا حس بدی دارم. من حدود دو سال پیش بود که با خودم عهد بستم شیوه زندگی را تغییر دهم. در خانواده مذهبی بودم اما خودم زیاد مذهبی نبودم. از دو سال پیش خیلی عوض شدم اما ثبات ندارد و من در مواقعی که مثلا نماز دیر یا قضا می شود حس می کنم نکند من تمام کارهایم بدون شناخت است؟ و نمی دانم چطور از دنیا دل بکنم. واقعا خسته شده ام استاد. از یک طرف دلم عاشق خوب بودن است از یک طرف این علاقه منجر به تلاش بیشتر من نمی شود. حس می کنم همه دعا و نماز و مطالعه مذهبی و کلاس بسیج و هر چه که می روم بی فایده و بدون شناخت و از روی عادت است. گاهی از برخی چیزها خوشم میاید که می گویم این نشانه ی عمقی نبودن ایمان من و لقلقه زبان بودنش است. حوصله عبادتم هم کم شده. کاش راهی بود که اخلاصمان بیشتر باشد. توصیه شما چیست؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظرم اگر با نامه ی امیرالمؤمنین «علیه السلام» به فرزندشان مرتبط شوید، تمام ابعاد یک نوع زندگی خوب و قابل دسترس را در جلوی خود می یابید. کتاب «فرزندم؛ این چنین باید بود» در همین رابطه تدوین و تنظیم شده است. کتاب بر روی سایت هست. موفق باشید